

نقش روسیه در شکست جنبش شیخ عبیدالله شمرزینی

عباس قدیمی قیداری*

رضا عبدالمهدی**

چکیده

یکی از جنبش‌هایی که در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار رخ داد و هراس بزرگی در دولت قاجار ایجاد کرد، جنبش شیخ عبیدالله شمرزینی یا نه‌ری (۱۲۹۷/۱۸۸۰) بود. این جنبش، در حقیقت قیام طبقه فرودست علیه وضعیت موجود و تلاشی اصلاح‌گرانه برای نشان دادن ناکارآمدی دولت قاجار بود. در ارتباط با سیاست‌های بین‌المللی، می‌توان فقدان استراتژی و ناآگاهی شیخ از واقعیت‌ها و الزامات سیاست بین‌الملل را از عوامل شکست جنبش برشمرد. از میان دول خارجی، روسها نقش مهمی در ناکامی و به شکست انجامیدن این حرکت سیاسی ایفا نمودند. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که روسیه چه نقشی در شکست جنبش شیخ عبیدالله داشت و چگونه موجب شد که جنبش شیخ عبیدالله با شکست مواجه شود؟ بر اساس نتایجی که از پژوهش حاضر بدست آمد؛ روسیه برای کسب منافع بیشتر به تقابل با جنبش پرداخته و از عثمانی و ایران حمایت کرد و همچنین به دلیل نگرانی از افزایش نفوذ انگلستان در میان کردها و به خطر افتادن منافعتش، سیاست تفاهم و همکاری با انگلستان را در جبهه‌گیری علیه جنبش دنبال کرد. نداشتن بلوغ سیاسی رهبر جنبش در جلب نظر قدرت‌های بزرگ بالاخص روسیه از یک سو و تضاد مسئله تشکیل کردستان با استراتژی خاورمیانه‌ای روسیه، از سوی دیگر باعث شد که روسیه نقش مهمی را در شکست جنبش شیخ عبیدالله شمرزینی داشته باشد. این مقاله با استفاده از منابع دست اول و اصیل و تحقیقات جدید و اسناد فارسی، ترکی، روسی و

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، ghadimi@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، Reza.abdollahiy@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

کردی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تبیینی در صدد است تا تحلیلی متفاوت از نقش روسیه در جنبش شیخ عبیدالله شمزینی ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: جنبش شیخ عبیدالله، روسیه، دولت قاجار، ناکامی جنبش، آذربایجان.

۱. مقدمه

تنازعات سیاسی-نظامی دو حکومت صفوی و عثمانی و برخوردهای ایدئولوژیک و حربی آنها، موقعیتی خاص و استراتژیک به کردستان بخشید و آن را به جولانگاه ستیزه‌های سیاسی، نبردهای نظامی و منازعات ایدئولوژیک بدل ساخت. این موقعیت استراتژیک، کردها و کردستان را به بخشی مهم از سیاست دولت‌های حاکم تبدیل نمود. این سیاست به صورت فرآیندی ادامه دار در سراسر دوره صفوی، افشار، زندیه و قاجاریه قابل پیگیری است. در دوره قاجار، رقابت قدرت‌های مرکزی ایران و عثمانی با قدرت‌های محلی برای تثبیت خود به عنوان قدرت مرکزی در کردستان همچنين رقابت ایران و عثمانی در کردستان جهت گسترش قلمرو، یا رقابت طوایف و ایلات بر سر تصرف ملک بیشتر، ناآرامی‌ها و اعتراضات زیادی را در منطقه کردستان ایجاد کرده بود. سیاست ضعیف شاهان قاجاری این آشوب و ناآرامی‌ها را دوچندان می‌کرد. در این میان پیچیدگی نظام بین‌الملل و انحصار در تقسیم قدرت و رقابت بین دو بازیگر نیرومند و کهنه‌کاری نظیر روسیه و بریتانیا در شمال و جنوب ایران - در جبهه خارجی - شرایط بغرنج و دشواری را برای دیپلماسی ایران فراهم ساخته بود. وضع سیاست خارجی ایران در این دوره شباهت بیشتری به فندق در دهانه‌ی گزانبور را داشت که پیوسته از دو جناح متضاد و مخالف تحت فشار بود و دیپلماسی ایران در فرایند جهت‌گیری‌های تضاد و تفاهم دو دولت روسیه و انگلستان قرار داشت. دنبلی تاریخ‌نویس مشهور دوره قاجار درباره اطلاع دولتمردان ایرانی از اروپا و جهان آورده است: «اهل ایران نمی‌دانستند که فرنگ چند قرال است و ممالک ایشان در چه سمت است و پایتخت هر یک کجاست» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۱۷ به نقل از قدیمی، ۱۳۸۹: ۷۵) هانری دو برن^۱ در مورد رجال ایران مطالبی می‌نویسد که گویای ناآگاهی سیاستمداران ایران از اوضاع جهان در دوره ناصرالدین‌شاه و پس از آن است: «ایرانیان مردمان باهوشی هستند، ولی از اوضاع جهان و تحولاتی که در قرون اخیر روی داده، به کلی بی‌خبرند، چنان که گویی در پشت دیوار چین زندگی میکنند.» (نصر، ۱۳۶۳: ۱۴)

اوضاع بغرنج سیاسی دوران قاجار و عقب ماندگی از سیاست‌های بین‌المللی باعث می‌شد که گروه‌ها و طبقه‌های مختلف علیه دولت، سلطه خارجی و داخلی حرکت‌های اعتراض‌آمیزی اقامه کنند. در اغلب این حرکت‌ها نیز به دنبال موفقیت‌های اولیه، در میان ائتلاف انقلابی شکاف افتاده و قدرت‌های خارجی که منافع خود را بر اثر انقلاب و جنبش در خطر می‌دیدند، اقدام به مداخله می‌کردند؛ به طوری که برآیند این موارد موجب محدود شدن موفقیت پیامدها در بیشتر جنبش‌ها می‌گشت. یکی از مهمترین قیامها و شورش‌هایی که در اوج اقتدار سیاسی ناصرالدین‌شاه و در روزگار ثبات سیاسی رخ داد، قیام شیخ عبیدالله شمزینی یا نه‌ری بود. این قیام از جنبه‌هایی متفاوت بود با قیامها و حرکت‌های اعتراضی دیگر، از این رو که در نواحی حساس مرزی صورت گرفت که ناخواسته و خواسته می‌توانست دخالت دولتهای عثمانی و روس را در پی داشته و نیز جنبه فرامرزی پیدا کند، از سوی دیگر قیامی بود از ناحیه اکراد و ایلات کرد که رهبر آن جایگاه معنوی نیز برای خود قایل بود. تبیین بحث جایگاه کردها در ساختار اداری و سیاسی دولت قاجار نیز مسئله مهمی است که با قیام‌ها و جنبش‌های مناطق کردستان ارتباط پیدا می‌کند.

تحولات داخلی عثمانی در سده‌ی نوزدهم، پیامدهای ناشی از جنگ، ظلم و ستم حکام و کارگزاران نسبت به مردم نیز موجب شد که طبقات مختلف مردم از فعالیتها و اقدامات شیخ عبیدالله که در راستای از بین بردن و پایان دادن به وضع موجود صورت می‌گرفت، حمایت کنند. همچنین خاندان‌های بزرگ و مشهور کرد در مناطق مختلف که توسط دولت عثمانی مقام و موقعیت سابق خود را از دست داده بودند از فعالیت‌ها و اقدامات شیخ بر ضد باب‌عالی حمایت می‌کردند. افزون بر این‌ها، تعداد زیادی از ملاها و شیوخ نیز که در نتیجه اقدامات دولت عثمانی نفوذ و موقعیت پیشین خود را از دست داده بودند، از جریان‌های سیاسی بر ضد باب‌عالی استقبال کرده و در نتیجه، زمینه‌ی قیامی گسترده بر ضد حاکمیت عثمانی در مناطق کردنشین فراهم گردید. نزدیکترین تفسیرها به درستی ماهیت قیام - از میان منابع و پژوهشهایی که ما بدانها مراجعه کردیم، چیزی است که در مقاله "کرستان و ایران" منتشر شده در روزنامه "انگولسکی" آمده است. این مقاله آن را یک جنبش ملی می‌داند که وحدت و استقلال را هدف گرفته است و معتقد است که وضعیت مردم بیچاره کرد، آنها را به این جنبش وادار می‌کرد و از سوی دیگر این قیام، نتیجه ظلم حاکمان قاجاری بود. (انگولسکی، ۱۸۸۰: ۷۲۰) «کریل» کنسول روسی در دسامبر ۱۸۷۹ در رابطه با جنبش شیخ عبیدالله می‌نویسد: «این روزها شیخ برای برپایی انقلابی علیه دولت

عثمانی آماده می شود و هدفش تاسیس یک حکومت مستقل در کردستان ترکیه است. تا خود در رأس آن باشد و شهر موصل را به عنوان پایتخت آن انتخاب کرده است». (فتح الله، ۲۰۱۰: ۵۴) علاوه بر زمینه‌های داخلی شکل‌گیری جنبش، نباید نقش عوامل خارجی را در توسعه و عمیق‌تر کردن جنبش نادیده گرفت. روسیه به عنوان عنصری تأثیرگذار در جنبش، برای کسب منافع بیشتر و بازیافت موقعیت قدرت خود در مقابل سایر دولت‌ها به ویژه انگلستان، از این حرکت برای پیشبرد مقاصد سیاسی خویش بهره برد. روسیه از عثمانی و ایران می‌خواست تمام تلاش خویش را برای مقابله با شیخ عبیدالله و کردها به کار گیرد و با آن‌ها وارد جنگ شود. کاربه‌دستان عثمانی به هیچ وجه نمی‌خواستند در مقابل شیخ عبیدالله صف‌آرایی کنند؛ زیرا شیخ در قصر سلطان جایگاه ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که در سال ۱۸۷۹، عبدالحمید دوم سلطان عثمانی، برای وی هدیه و نشان فرستاد. (خه‌لفین، ۲۰۱۷: ۱۵۳) سیاست روسیه بر این بود که کردهای امپراتوری عثمانی را در مقابل خود عثمانی‌ها به سمت خویش جذب نماید و تلاش‌هایی زیادی را در این راستا انجام داد. بسیاری از عشایر کرد به مصالح اقتصادی چشم دوخته بودند و این مسأله با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه وابسته به روسیه بود. تابستانها این عشایر کوچ سالانه خویش را به طرف کوههای «آراکز»، «آخامان» و «سلسله جبال گیگامس» و نقاط دیگر آغاز می‌کردند در حالی که این مناطق در داخل خاک امپراتوری روسیه واقع شده بودند. (جلیل، ۱۳۸۱: ۱۷۴) باید خاطر نشان کرد که هدف روسیه تنها فریب کردها بود و برای این که روابط روسیه با عثمانی و انگلستان با بحران جدی روبرو نشود، سیاستمداران روسی و کارگزاران نظامی آن‌ها در راستای استحکام روابط با کردها اقدامی نکردند. قیام شیخ عبیدالله که علیه حکومت‌های ایران و عثمانی و برای دستیابی به قدرت انجام شده بود در نهایت شکست خورد. اگرچه بسیاری از منابع دلایل شکست جنبش شیخ عبیدالله را عوامل درونی و ناآگاهی شیخ و اطرافیانش از سیاست‌های بین‌المللی تحلیل کرده اند، نباید از نقش عوامل خارجی به ویژه جهت‌گیری‌های دولت روسیه - در شکست این جنبش غافل شد. در این پژوهش سعی خواهیم کرد با استفاده از اطلاعات منابع و پژوهش‌های انجام شده درباره جنبش شیخ عبیدالله، به بررسی نقش روسیه در شکست این جنبش بپردازیم.

در ارتباط با قیام شیخ عبیدالله شمزینی آثار متعددی منتشر شده است. کتاب «جستاری پیرامون جنبش شیخ عبیدالله شمذینی» اثر محمد کلهر ضمن بررسی تاریخی طریقت نقشبندی و سادات نهری در یک بخش به شورش شیخ نیز پرداخته است. این کتاب با

وجود اینکه از منابع خوبی استفاده کرده است نتوانسته است از اسناد عثمانی بهره گیرد. اثر فوق از معدود منابعی است که به علل و عوامل داخلی و خارجی شکست جنبش شیخ عبیدالله آن هم در بخش کوچکی اشاره کرده است. تفاوتی که کتاب کلهر با پژوهش حاضر دارد در این مسئله است که این پژوهش به صورت جامع و کامل به بررسی نقش روسیه در جنبش شیخ عبیدالله پرداخته است. کتاب «راپه رینی کورده کان سالی ۱۸۸۰م (شورش کردها در سال ۱۸۸۰م)» اثر جلیل جلیل با تکیه بر اسناد وزارت خارجه روسیه و گزارش‌های ستاد وزارت جنگ روسیه در قفقاز و گزارش‌های مأموران و دیپلمات‌های انگلیسی در منطقه، اطلاعات مفیدی در رابطه با قیام شیخ ارائه می‌دهد. نویسنده در این کتاب به تلاش‌های شیخ عبیدالله برای جلب حمایت روس‌ها اشاره می‌کند. اما نکته مهمی که درباره این کتاب قابل اشاره است عدم توجه به علل شکست قیام شیخ عبیدالله و نقش روسیه در آن است. کتاب دیگری که در رابطه با جنبش شیخ عبیدالله شمزینی نوشته شده است، «قیام شیخ عبیدالله شمزینی در دوره ناصرالدین قاجار» تالیف کیومرث فیضی می‌باشد که نویسنده بیشتر به گردآوری مطالب از منابع موجود پرداخته و ضعف کتاب را می‌توان عدم استفاده از اسناد عثمانی دانست. مقاله‌ی «قیام شیخ عبیدالله شمزینی» نوشته‌ی یونس صادقی تنها قیام شیخ را وقایع‌نگاری کرده است. مقاله‌ی «شورش شیخ عبیدالله نقشبندی و تأثیر آن در مناسبات ایران و عثمانی در دوره ناصری» نوشته‌ی داریوش رحمانیان و جواد ابوالحسنی و مقاله‌ی «گزارش در باب شورش شیخ عبیدالله کرد در اواخر قرن گذشته» نوشته‌ی وحید مدرسی طباطبایی تنها جنبه‌هایی از قیام شیخ عبیدالله مورد بررسی قرار داده‌اند و به علل شکست این جنبش توجهی نداشته‌اند. این پژوهش‌ها نتوانسته‌اند به خوبی از اسناد و روزنامه‌های این دوره بهره‌گیرند و یا نقش روسیه را دست‌مایه پژوهشی مستقل قرار دهند.^۲

۲. اشاره‌ای گذرا به آغاز و فرجام جنبش شیخ عبیدالله شمزینی

شیخ عبیدالله در سال ۱۲۴۷ ه.ق در روستای «نهری» ولادت یافت. خاندان شیوخ نهری، صاحب نفوذ معنوی و مادی بودند و جایگاه دینی و اجتماعی و سیاسی قدرتمندی داشتند. (فتح‌الله، ۲۰۱۰: ۱۰۰) مارتین‌وان برویین‌سن، کردشناس معروف اروپایی، در اثر خود به نام «جامعه‌شناسی مردم کرد» درباره‌ی سادات نهری و چگونگی به قدرت رسیدن آن‌ها می‌

نویسد: «در اواسط سده‌ی نوزدهم شیوخ نه‌ری، با تحریک احساسات کردها و برانگیختن آن‌ها علیه مسیحیان، نفوذ بسیاری در امارت کسب کردند.» (بروین‌سن، ۱۳۸۳: ۳۳۲)

شیخ عبیدالله که یک رهبر مردمی بود و جنبش مردمی را به شکل منطقی و کارآزموده رهبری می‌کرد. (روزنامه مشاک، ۱۸۸۰: شماره ۱۰۵) وی تلاش کرد تا وحدت همه کردهای ایران و ترکیه را در یک ملت واحد و یک حکومت مردمی واحد با رهبری خودش به حد کمال برساند. (دهقان، ۱۳۴۸: ۴۰۰) اسکندرغوریانس در مورد شیخ می‌نویسد: «شیخ عبیدالله تسلط تام بر سر ایشان [طوایف کرد] داشته، حتی می‌توان گفت که مالک سر و تن آنهاست.» (غوریانس، ۱۳۵۶: ۲۳) جلیل جلیل نیز بر پایه اسناد و مدارک موجود، می‌نویسد: «شیخ در قلمرو خود قوانین خاصی وضع نمود. مشروبات الکلی و رشوه‌خواری را ممنوع و متخلفین را به شدت مجازات نمود.» (جه‌لیل‌جه‌لیل، ۱۹۸۷: ۱۰۷)

رفتار عدالت‌آمیز با اتباعش و زندگی ساده وی موجب نفوذ دو چندان وی در میان کردها گردید. (Ateş, 2013: 11؛ فتح الله، ۲۰۱۰: ۶۶) شیخ عبیدالله مقداری زمین از پدرش به ارث برد که به عنوان هدیه از شاه و حاکم ایران دریافت کرده بود و توانست بر زمین‌هایش بیفزاید تا اینکه حدود دو صد چندان شد، بدین‌سان یکی از بزرگترین زمین‌داران کردستان گردید. (BOA: Y-PRK-ASK- 88-76-1) وی بزرگترین کشتزارهای تنباکوی حکاری را در اختیار داشت. (Sarikioglu, 2013: 14) و روزانه صدها نفر از مریدانش را به حضور می‌پذیرفت. (حه مه باقی، ۲۰۰۰: ۱۱۹)

قیام شیخ عبیدالله در آخرین سالهای قرن نوزدهم میلادی و سیزدهم قمری در خاک ایران و در مناطق هم‌مرز با شمدینان^۴ (ارومیه، مراغه و بناب) با هدف تاسیس کردستانی مستقل، روی داد (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۴۱۳). که بنا به اطلاعات برخی منابع، شیخ «بنا به الهام الهی اراده گرفتن خاک عثمانی» را داشت (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۴۲۹). هر چند تمام حملاتی که در طی این قیام انجام شد به شهرهای غربی ایران بود. به نظر می‌رسد برخی محققان زمینه‌های شکل‌گیری جنبش شیخ عبیدالله را عواملی چون؛ عدم نظارت بر عملکرد مأموران و کارگزاران حکومتی، فساد مالی حاکمان قاجار، انتصاب حاکمان ترک و آذری برای اداره‌ی مناطق کردنشین می‌دانند (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۶۷).

تلاش عثمانی‌ها برای دیدار و مذاکره با شیخ از همان آغاز بی‌نتیجه بود و شیخ عبیدالله دستیابی به هدف نهایی یعنی استقلال کردستان را در قیام خود دنبال می‌کرد (BOA: Y-PRK-A-2-54). در جبهه ایران، شیخ تلاش کرد که عباس میرزا ملک آرا، را که از طرف

مادر گُرد بود تطمیع کرده و با پیشنهاد پادشاهی ایران، حمایت وی را نیز به دست آورد (شرح حال عباس میرزا ملک آرا، ۱۳۵۷: ۱۵۶؛ روزنامه ایران، شماره ۴۳۷، ۲۲ ذی-الحجه ۱۲۹۷). اما تلاش‌های شیخ در این زمینه توفیقی به همراه نداشت و اندکی بعد ناصرالدین‌شاه حکومت قزوین را به عباس میرزا سپرد (همان، ۱۵۷). با این وجود حملات شیخ به مناطق غربی ایران ادامه داشت. نیروهای تحت فرمان شیخ، میاندوآب را با خشونت تصرف کردند و ارومیه را به محاصره درآوردند (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۰/۱؛ گزیده اسناد ایران و عثمانی دوره قاجاریه، ۱۳۶۹: ۶۷۵؛ ادیب الشعرا، ۱۳۴۶: ۵۳۴). حکومت قاجار از همان ابتدا حرکت شیخ عبیدالله را نه شورش بلکه «فتنه» می‌دانست (هدایت، ۱۳۸۵: ۸۲ و ۳۲۳). اعتمادالسلطنه در شرح وقایع ۱۲۹۷ ه.ق، شورش شیخ را «فتنه» و طریقت تصوف او را «عوامفریبی» ذکر می‌کند که در پی سروری بر «اکراد سرحد ایران و عثمانی» بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۰۱۰/۳؛ همو، ۱۳۵۰: ۷۰، ۷۷، ۸۸، ۱۱۴، ۲۱۵). لذا دولت قاجار برای «دفع شر» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۰۱۰/۳) شیخ ۲۰ هزار نفر نیرو را به فرماندهی حشمت الدوله مامور سرکوب وی کرد اما به دلیل اینکه فرمانده سپاه قاجار در راه فوت کرد محمد حسین خان سپهسالار به تبریز فرستاده شد. اعزام این نیروها به تبریز شیخ را هراسان کرد و در جنگی که میان گروهی از نیروهای شیخ و سپاه قاجار رخ داد، نیروهای شیخ شکست خوردند و این شکست آغازی بر شکست جنبش بود (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۰/۲؛ ادیب الشعرا، ۱۳۴۶: ۵۷۰). هدف اصلی شیخ از ایجاد ارتباط با دولت‌های بزرگ غربی، جلب پشتیبانی معنوی آنها جهت مبارزه‌ی ملت کرد و به رسمیت شناختن دولت کردستان متحد و مستقل از سطره دربار قاجار و عثمانی بود. شیخ ابتدا به وسیله نیروهای عثمانی دستگیر و روانه استانبول شد (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۴۱۳). اما پس از فرار وی، بار دیگر نیروهای مشترک ایران و عثمانی او را دستگیر و به مکه تبعید کردند (خالفین، ۱۹۷۱: ۲۰۸).

جنبش شیخ عبیدالله نه‌ری با توجه به تاثیر منحصر به فرد و بزرگش، بازتاب وسیعی در محافل بین‌المللی داشت. (فیضی، ۱۳۹۱: ۱۷۴) روسیه که به امور داخلی عثمانی و ایران بسیار اهمیت قائل می‌شد، این جنبش را موجب اخلال وضعیت فعلی منطقه می‌دانست، منطقه‌ای که برای او بسیار حیاتی بود. انگلیس به نوبه خود- به صورت جدی مشغول محافظت از کیان امپراتوری عثمانی بود. انگلیس با نگرانی و دلهره مراقب اوضاع بود و حوادث را طوری پیگیری می‌کرد که جانبداری روسیه از جبهه ایرانی، تهدیدی برای منافع وی نباشد.

۳. سیاست‌های کلان روسیه در برابر ایران، عثمانی و انگلیس در ارتباط با

جنبش

جهت گیری سیاست خارجی ایران در طول حاکمیت قاجار بیش از هر عاملی از سیاست زیاده‌خواهی و وسعت‌طلبی روسها نسبت به ایران تأثیر پذیرفته بود. (کرزن، ۱۳۷۳، ۷۰۷/۲) نمود عینی این مسئله را می‌توان در سمت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به انگلستان و سایر دول اروپایی پیگیری کرد. (مهدوی، ۲۵۳۵: ۲۹۰-۲۸۸) در این دوره روسیه تزاری با هدف توسعه‌طلبی در مرزهای در مرزهای شمالی و شمال غربی ایران در رقابت با بریتانیا، از یک سو برای توسعه نفوذ خویش در دربار ایران و کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی تلاش می‌کرد و از طرف دیگر، برای جلب یاری رهبران کرد و بهره‌گیری از موقعیت سیاسی - جغرافیایی کردستان، نفوذ خود را در میان کردها افزایش می‌داد.

جنبش شیخ عبیدالله شمزینی که توسط یکی از روحانیون و رهبران کرد شکل گرفت، برای روسیه دستاویزی بود که می‌خواست از طریق آن از یک سو نفوذ خویش را در منطقه افزایش دهد و از سوی دیگر به صورت اهرم فشاری دولت‌های عثمانی ایران و انگلیس را برای جامه عمل پوشاندن به اهداف خویش تحت تأثیر قرار دهد. روسیه به ظاهر از جنبش شیخ حمایت میکرد اما عملاً با کارشکنی و اقدامات فرسایشی شیخ را در مقابل عثمانی و ایران ناکام می‌ساخت. در تاریخ ۲۰ ايلول (اکتبر) ۱۸۸۲ سفیر کبیر عثمانی در گفت‌وگو با ژنرال ستاروسکی رئیس اداره ملکیه قفقازیه، دولت روسیه را از حمایت و پناه دادن به شیخ برحذر می‌دارد: «با دریافت تلگرافنامه بدون شماره فوراً وارد عمل شده و به اقامتگاه ژنرال ستاروسکی و پرنس روندوقون قورساقوف رؤسای مأمورین قفقازیه به ناحیه قوچوری رفته و نامبردگان را از عواقب فرار شیخ و پناه گرفتن وی در آن ناحیه و عواقب حوادث بعدی در جریان گذاشتم و تاکید نمودم که تدابیر لازمه را برای منع ورود شیخ به قفقازیه در اولویت امور قرار داده و مانع ورود شیخ به قفقازیه شوید.» (BOA:HR-SYS-82) ستاروسکی نیز در جوابیه نامه سفیر کبیر عثمانی با اعلام اینکه از اقدامات شیخ حمایت نکرده بلکه از ورود شیخ به خاک روسیه ممانعت به عمل آمده است می‌نویسد: «طبق فرمان پرنس قورساقوف برای جلوگیری از فرار شیخ عبیدالله تدابیر لازم انجام گرفت و چند روز بعد پرنس قورساقوف خبر فرار شیخ عبیدالله از تفلیس و ورود وی به حکاری را گزارش نمود.» (همان سند) در حقیقت روسیه با این بهانه که نمی‌تواند مغایر و خلاف روایید بین دو دولت عثمانی و روس عمل کند، به اقدامات شیخ میدان عمل نداد.

مطمئناً دولت روسیه برای به دست آوردن منافع بیشتر، بین شیخ عبیدالله و عثمانی جانب عثمانی را می‌گرفت. هنگامی که عثمانی توسط مفتی‌افندی و خلیفه‌افندی از ارتباط شیخ و روسیه خبردار شد، از روسیه خواست که به تحرکات شیخ میدان ندهد:

شیخ عبیدالله توسط ارمنی ساکن اورمیه که نامش نیز در دفتر اشقیاء بنام "سجون" ثبت گردیده با کنسول روسیه ارتباط یافته و خواستار واگذاری اسلحه‌خانه و مهمات‌خانه های روسیه در سرحدات ایران به خود شده است. کنسول روسیه نیز بلافاصله باب عالی را در جریان گذاشته و انتظار اعطای امتیازاتی دارد. (BOA: DH-ŞFR-112-99)

این زد و بند های روسیه با عثمانی تا پایان جنبش شیخ عبیدالله، کماکان وجود داشت و شیخ و اطرافیان، ناآگاه از سیاست‌ها و استراتژی های روسیه به داشتن حمایت و ارتباط وی دلخوش بودند.

روسیه که نسبت به جنبش شیخ عبیدالله موضعی مخالف داشت تلاش می‌کرد به هر صورتی که باشد از ایران نیز در مقابل این جنبش حمایت کند. در تاریخ ۳۰ ایلول ۱۸۸۰ زینووف کاردار روس در تلگرافی به پیتربورگ می‌نویسد:

شاه ایران از حکومت روسیه درخواست دارد که لشکری را به مرز آذربایجان ایران بفرستد. دولت ایران از روسیه می‌خواهد که امپراتوری عثمانی را متقاعد سازد تا تلاش کند که اغتشاش کردها را خاموش نماید و رؤسایشان را تنبیه نماید و کردها در قبال هرچه ضرر و زیان به ایران رسانده اند، غرامت بپردازند. (خه‌لفین، ۱۷: ۲۰۱۵۴)

روسیه بر این نظر بود که حکومت ایران این توانایی و سلاح را ندارد که به سرعت این قیام را خاموش کند و انگلیسی‌ها در این قیام پشتیبان کردها هستند. روسیه به لحاظ اهمیت فوق‌العاده‌ای که برای رویدادهای کردستان قائل بود، مصمم بود که چنانچه نیروهای ایرانی در مقابل جنبش شیخ عبیدالله با شکست مواجه شوند بالفور نیروهای خود را برای ورود به خاک ایران و مقابله با نیروهای شیخ اعزام کند. از ارتباط و نامه‌های بین «بارون جومینی» روسی و «پلانکت» سفیر انگلیس در روسیه و در اسناد محرمانه بریتانیا این موضوع به خوبی مشخص است. (میرزا عزیز، ۱۳۷۹: ۳۵) روزنامه «Bereg»، در گفتاری از تقاضای شاه ایران برای اعزام نیروهای روسی به آذربایجان جهت کمک به نیروهای ایران و سرکوب یاغیان کرد، به تفصیل یاد کرده است. (میرزا عزیز، ۱۳۷۹: ۲۲) اسناد وزارت خارجه جلیله عثمانی نیز هدف از اعزام نیروهای روسی برای یاری ارتش ایران در مقابل جنبش کردها را

«حفظ امنیت مرزهای روسیه و ممانعت از فرار یاغیان کرد به این سوی مرز» اعلام کرده است. (BOA:Y-PRK-HR-5-63) بنابراین روسیه تمام تلاش های خود را به کار می‌بست تا دولت ترکیه و ایران را ترغیب به شرکت در جنگ علیه کردها نماید. (قاضی‌ها، ۱۷۶: ۱۳۸۰)

روسیه از دیدگاه شایع در ایران از اینکه انگلیس در جنبش شیخ عبیدالله دست دارد، حمایت می‌کرد. روزنامه (قفقاز) یک نامه رسیده از ایران را منتشر کرد که نویسنده‌اش پیروزی کردها را به پشتیبانی انگلیس نسبت می‌داد: «به برکت نیرنگ‌های انگلیس، شیخ عبیدالله از عهده تحریک کردستان ایران برآمد. کنسول انگلیسی در ارومیه، ارتباط پیوسته‌ای با شیخ داشت و به او کمک های مالی و مواد غذایی می‌رساند». (روزنامه قفقاز، ۱۸۸۰: ۲۸۴)

البته اسناد رسمی بریتانیا این مسئله را تکذیب می‌کردند و بر نادرست بودن این ادعا و واقعیت نداشتن آن تاکید داشتند. با اینکه انگلیس مواضع خود را در ضدیت با قیام شیخ نشان می‌داد، جراید روسیه کماکان شیخ را آنگلو فیل و هدفش را تأسیس حکومتی تحت الحمايه انگلیس قلمداد می‌کردند. (کلهر، ۱۳۹۳: ۹۰)

دولتهای عثمانی و انگلیس معتقد بودند که روسیه پشت پرده قیام کردهاست در حالیکه روزنامه‌های روسیه و ارمنستان و ایران بر این نظر بودند که این قیام دسیسه ترکیه و انگلستان است. مقاله‌ای که توسط روزنامه دیلی تلگراف با نام «چرا کردها شورش کردند» منتشر شد، (وقت، ۱۸۸۰: ۱۸۶۷) به نقل از جهلیل جهلیل (۱۵۹) از سیاست استعماری انگلیس در خاورمیانه دفاع کرده و معتقد بود رویکرد دو جانبه‌ای که میان روسیه و ایران در خلال حرکت قیام حاصل شد، انگلیس را تا سرحد امکان، نگران کرده است. انگلستان که از دیر باز در پی بهانه‌ای را برای مداخله در امور ایران و اشغال بخش دیگری از آن بود، روسیه را باعث بروز چنین دخالت‌هایی می‌دانست. انگلستان از تشکیل شدن دولتی ارمنی که قرار بود تحت نفوذ روسیه باشد نگران بود. در نتیجه مصمم شد که کردها را باخود همسو سازد. به نوشته‌ی خالفین: «بریتانیا به منظور دفاع از عثمانی بسیاری از سران کرد را برای جنگ با روس‌ها با پول خریداری کرد.» (خالفین، ۱۹۷۱: ۱۴۱) ارتباط دوستانه انگلیسی‌ها با رؤسای کرد و خود شیخ ناشی از همین نیت انگلیسی‌ها بود. شیخ در نامه‌ای که در تاریخ ۲۴ سپتامبر سال ۱۸۸۰ میلادی به دکتر کوکران نوشته بود نامه را با ضروری بودن امر حمله به ایران آغاز کرده بود. شیخ در این نامه از به قتل رسیدن کردهای ایرانی، زورگیری از برخی قبایل، خم شدن کردها در زیر بار سنگین مالیات‌ها، ربوده شدن زن‌های کرد توسط مأموران ایرانی و افزایش بی‌عدالتی نسبت به کردها، سخن گفته بود. (Sarikioglu, 2013: 16)

وزارت خارجه انگلستان، از استراتژی‌های روسیه در منطقه غافل نبود و با توجه به اینکه هیچ‌گاه از اعمال روسیه در این مناطق اطمینان خاطر نداشت، دائماً برای آگاهی از تدارکات روسیه در مرزهای ایران و عثمانی در تلاش بود. (میرزا عزیز، ۱۳۷۹: ۲۱) ویلیام-جی آبوت در گزارشات خویش به وزارت خارجه انگلیس از حضور نیروهای روسی در منطقه را برای رویارویی با تشکیل امارت مستقل کردی خبر داده و وحدت انگلیس و روسیه در این مورد را لازم و ضروری می‌داند و می‌نویسد:

ارزش اقتصادی ایران برای روسیه و انگلستان نیز بر پیچیدگی امر افزوده است. در فاصله سالهای ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۳ میان دولتهای لندن و پترزبورگ، توافق کاملی بر سر ایران وجود داشت، اگر چه جنگ "قرم" این هماهنگی را از میان برد. اما امروز هم زمینه‌های مناسبی برای همکاری میان دو کشور در مورد ایران وجود دارد. (فتح‌الله، ۲۰۱۰: ۱۰۹)

وزارت خارجه انگلستان با اشاره به نامه ای که «محسن‌خان» سفیر ایران در استانبول برای «باب‌عالی» فرستاده بود، بیان می‌دارد که جای بسی خوشوقتی خواهد بود اگر سفیر روسیه نیز در گفتگو با «باب‌عالی» استانبول را به پذیرش خواست‌های ایران تشویق نماید. در تلگراف سفیر انگلیس در عثمانی به مسترجون در ارتباط با موضع مشترک انگلیس و روسیه در مقابل جنبش شیخ عبدالله آمده است که:

سرورم در نامه ی مسیو دی‌گریس (M. de Giers) که سفیر روسیه در ۲۵ ژانویه نگاشته است دیدگاه‌های او را در مورد هجوم کردها به ایران دریافتم. گفت لازم است حکومت را از عدم دخالت روسیه در این موضوع مطمئن سازد و انگلستان را به اتخاذ موضعی مشترک با روسیه در مورد مسائل کردستان فرا خواند، موضع مشکوک «باب‌عالی» در مورد تحرک کردها، تأثیر بدی بر تهران گذاشته است، در دوران گذشته، اشتراک موضع انگلستان و روسیه، منجر به حل بسیاری از مناقشات ایران و عثمانی شده است. (میرزاعزیز، ۱۳۷۹: ۷۱)

انگلستان در جنبش شیخ عبدالله سیاستی دوگانه داشت از طرفی با دادن تشویقاتی، نظر شیخ و کردها را جلب می‌کرد و از طرف دیگر بر علیه شیخ و جنبش وی با دولت‌های ایران و عثمانی هم‌نوا می‌شد. (گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی، ۱۳۷۳: ۱۹۷) به نظر می‌رسد که به سبب کمک نظامی روسیه به ایران، نگرانی بریتانیا از نفوذ بیشتر روسیه در منطقه شدت یافته باشد. ناصرالدین‌شاه در صدد بود که در کنار برخورداری از حمایت روسیه، دولت انگلیس را نیز، با خود همراه سازد. به همین دلیل میرزا سعیدخان مؤتمن

الملک وزیر خارجه ایران در مارس ۱۸۸۱ م. / ۱۲۹۸ ق. در خصوص مسئله کردها از بریتانیا درخواست پشتیبانی کرد. (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۴۹) همچنین در ۱۱ اکتبر در دیدار با تامسون سفیر بریتانیا در دربار قاجار، از سفیر خواست که حکومت بریتانیا به عثمانی فشار آورد تا علیه کردها وارد جنگ شود. تامسون سفیر بریتانیا، مقامات عالی بریتانیا را آگاه کرد که پیروزی کردها در ایران موجب دخالت مستقیم روسیه در ایران خواهد شد و ناصرالدین‌شاه از آن بیم دارد که روسیه به بهانه‌ی اینکه ایران توانایی حفظ منافع اتباع روس در ایران را ندارد، مستقیماً دخالت کند. (راوندی، ۱۳۸۳: ۹۲ و ۱۲۶) از سوی دیگر، لرد تانتردن در تلگرافی به وزارت امور خارجه بریتانیا (لرد فرامریل)، انگلستان را از «خطر نفوذ شیخ عبیدالله در رأس یک گروه غارتگر به قلمرو عثمانی» و التزام به حفاظت از مناطقی که توسط این مهاجمان تهدید شده اند بر حذر می‌دارد و اعلام می‌کند که انگلستان باید از واقعیت‌هایی را که در منطقه روی می‌دهند اطلاع یابد. (BOA:HR-SFR-3-277-28) بنابراین دیپلمات‌های روسی و سفیران بریتانیا در تهران و استانبول با ناصرالدین‌شاه و سلطان عبدالحمید به امید اتحاد دو دولت که مشترکاً قیام را خاموش کنند وارد مذاکره می‌شدند و تمام همت خویش را برای سرکوبی جنبش شیخ به کار می‌گرفتند.

روسیه در روند توسعه‌طلبی خویش در منطقه، مسیر خود را در سیاست صلح و کسب رضایت انگلیس ادامه می‌داد. گرانویل کنسول بریتانیایی به پلانکیت خاطر نشان کرد که اگرچه روسیه دستور داده که نیروی نظامی‌اش به مرزهای ایران نزدیک شوند ولی تا حد امکان ایشان را از عبور از مرزها منع کرده است (میرزاعزیز، ۱۳۷۹: ۷۱) زیرا روسیه معتقد بود که به خاطر مشکلات بین‌المللی، نباید برای یاری ایران به صورت مستقیم وارد شود. انگلستان تلاش داشت به سان روسیه از قافله حضور در منطقه عقب نیفتد و با بیان اینکه دولت عثمانی و ایران توانایی عملی ساختن جلوگیری از پیوستن عشایر به شیخ را ندارند، حضور نظامی خود را در منطقه مستحکم‌تر می‌ساخت. روسیه و انگلستان هر دو در رابطه با ضعف نیروهای عثمانی و ایران اتفاق نظر داشتند و معتقد بودند «در حالی که مسئله امنیت منطقه مطرح است، هیچ اقدامی توسط دولت عثمانی و ایران صورت نمی‌گیرد. نیروهای نظامی بخاطر فقدان آذوقه و مهمات کافی، از عملیات سر باز می‌زنند و منطقه در وضعیتی بسیار بحرانی بسر می‌برد.» (همان: ۷۲) بدین ترتیب دیپلمات‌های انگلیسی در جلوگیری از ایجاد اتحادیه کردها به سختی تلاش کردند و ترس و وحشت از ایجاد چنین اتحادیه‌ای را با یک تبلیغات گسترده ترویج می‌دادند.

۴. خط مشی و جهت گیری های روسیه در مسأله کردها و روند تحول آن

در سده نوزدهم، حکومت ایران اطلاع دقیقی از اوضاع اروپا و سیاست جهانی نداشت. در این دوره، سیاست خارجی ایران، اگر چه تحت تأثیر تحولات نظام بین الملل و رویدادهای خارجی بود؛ (پیوکارلو، ۱۳۵۹: ۱۱۰) اما عوامل داخلی همچون روش حکومت استبدادی قاجارها، رقابت صاحب منصبان و درگیری برای به دست آوردن مقام ولایت عهدی نیز بر آن تأثیر داشت. با گسترش روابط با غرب و آمدن سفرای خارجی، نفوذ دولتهای اروپایی در ایران و منطقه بیشتر شد. سفرنامه نویسنده ناشناس روس در کتاب گزارش ایران درباره سیاست نفوذ روسیه و انگلستان در ایران دوره قاجار می نویسد:

اعتبار و تسلط و اسم روسها در ایران، در عهد سفارت مسیو زینوویف که بسیار آدم دانا و کاردانی بود به اعلی درجه رسیده بود و کارگزاران هشیار دولت انگلیس، که فواید آنها در مشرق زمین مخصوصاً در ایران، به قدر فواید ماست مساعی خود را به کار بردند که روسها را در نظر شاه متنفر دارند. (گزارش ایران، ۱۳۶۳: ۴۲-۴۱)

سیاست بین المللی و دیپلماسی روسیه در منطقه، روابطشان با کردهای ایران و عثمانی را اجتناب ناپذیر می کرد. اولین ارتباط و پیوند کردها با روسیه به اوایل قرن نوزدهم و زمان جنگهای روسیه با ایران و عثمانی برمی گردد. پادشاهان ایران و سلاطین عثمانی از کردها به عنوان سربازان و نیروهای جنگی خویش استفاده می کردند و با دادن غنایم و هدایای جنگی به رؤسای قبایل کرد، از آن ها می خواستند که در مقابل نیروهای روسی بجنگند. به عنوان نمونه در سال ۱۸۰۴م «تسیتساتوف» سرلشکر روس در نامه ای به حسین آغا رییس قبیله ایروان، وی را از در اختیار گذاشتن نیروهایش در لشکر ایران، برحذر می دارد و او را به حمایت از روسیه سوق می دهد. (خهلفین، ۲۱۷: ۴۷) مینورسکی نیز به نقش کردها در جریان جنگهای عثمانی و روس و کمک کردها به سپاهیان روسی اشاره هایی دارد. (مینورسکی، ۱۳۷۹: ۱۷۵-۱۷۴) گرچه از قدیم، جهانگردان و کارشناسان روسی در کردستان رفت و آمد کرده و از آن دیدن کرده اند و در چندین نقطه هم کنسولگری و مرکز بازرگانی را دایر کرده اند، (مصطفی امین، ۲۰۰۶: ۱۹۲) ولی هیچگاه ارتباطات گسترده بازرگانی، سیاسی، فرهنگی، یا نظامی در بین آن ها برقرار نبوده است و اگر رابطه ای هم شکل می گرفت تنها تحت تأثیر روابط با ایران و عثمانی بوجود می آمد. مقامات روسی هنگامی که در مدیریت اجرایی و نظامی باب عالی و دربار ایران ضعفی احساس می کردند، آن ها را تحت فشار قرار

داده تا اصلاحاتی را صورت دهند تا آنچنان ضعیف نشوند که دولتهای دیگر بتوانند به آسانی آنها را ساقط کنند. برای نمونه، تشکیل «تنظیمات» در عثمانی که یکی از بندهای اصلی آن تغییر شکل سازمان اداری «ولایات» بود و موجب محو دائمی امارات خودمختار کردستان می‌شد، نتیجه‌ی فشار روسیه و انگلیس بود. (مشایخ فریدونی، ۱۳۶۹: ۶۹) در حقیقت، روسیه با میانجیگری مداوم بین باب‌عالی و دربار ایران بر آن بود تا اختلافاتشان را از طریق گفتگوی آرام حل نماید و سعی می‌کرد که به رقابت نظامی و تشنج بین دو دولت خاتمه داده و پایه سیاست مشترک هر دو را در قبال مسئله کرد بنیاد نهد.

قیام شیخ عبیدالله با ابعاد گسترده‌اش تنها برای ترکیه و ایران غافلگیرکننده نبود، بلکه برای روسیه، انگلستان و دیگر دولت‌ها نیز بدین سان بود. محافل دولتی در این حکومت‌ها دلایل جنبش قیام را در فتنه‌انگیزی اجنبی تفسیر کرده‌اند. روسیه تمامی فعالیت‌ها و اقدامات کردها و شیخ عبیدالله را با جزئیات رصد می‌کرد. در ۱۸۷۷ رامسان دیپلمات روس، جهت جمع‌آوری اطلاعات به باشقلا در حکاری رفت و از آنجا برای انجام تحقیقات در مورد اخبار و گزارشاتی که درباره‌ی قیام شیخ و مردم کرد به آنها رسیده بود، به ولایات شرق در ساسون، آماسیه، سیواس، ارزنجان، موش، بتلیس، وان، ملازگرد و ارزروم رهسپار شد. (خالفین، ۱۹۷۱: ۱۷۶) روسیه که از اتحاد ساکنان کردستان واهمه داشت، سعی می‌کرد با فرستادن مأمورین تحقیقاتی از نیات شیخ عبیدالله و اطرافیانش آگاهی یابد.

در بحبوحه لشکرکشی شیخ عبیدالله به کردستان ایران هم، هنگامی که نیروهای کرد در پای دیوارهای ارومیه مشغول جنگ بودند، آبوت کنسول بریتانیا در تبریز در سپتامبر ۱۸۸۰ در تلگراف‌هایش نوشت: «آنچه شیخ می‌خواهد یک چیز است، آن هم جلب حمایت معنوی دولت‌های اروپایی از مسئله کرد» و می‌خواهد که دولت‌های اروپایی، «حسن نیت و روابط خیرخواهانه و مسالمت‌آمیز شیخ را باور کنند.» (خالفین، ۱۹۷۱: ۱۳۰) شیخ عبیدالله در این دیدارها تلاش کرد ظلم و ستم ترکیه و ایران، مظلومیت و محرومیت کردها، اتحاد ملت کرد و اهدافش از جنبش و تشکیل دولت مستقل کردستان را توضیح دهد.

در عصری که خاورمیانه شاهد وجود دو دولت باستانی ایران و عثمانی بود، استراتژی روسیه در آن زمان بر اساس حفظ ظاهری نظام سیاسی این دو دولت بنیاد نهاده شده بود. کنسولگری بغداد در تاریخ ۲۲ ایلول ۱۸۸۰ تلگرافنامه‌ای که در آن به خطر جنبش شیخ و ایجاد امنیت در منطقه با فرستادن نیروهای روسی به منطقه برای تادیب نیروهای شیخ اشاره شده است، به سفارت انگلستان می‌فرستد: «تقریباً یک ماه پیش، نیروی کافی اعم از سرباز و

ارابه توپ تحت فرماندهی قشون مستقر در عماره برای هجوم به مواضع شیخ اعزام گردید. بعد از سه روز حرکت آهسته و نظامی مقرر شیخ را تخلیه شده یافته متصرف شدند.» (HR-BOA: SYS-685)

هدف شیخ عبدالله تجزیه بخشی مهم و بزرگ از سرزمین و جمعیت هر دو دولت ایران و عثمانی، برای تشکیل کشور تازه‌ای بود که حمایت جمعی دولت‌های اروپایی در منطقه را هم داشته باشد. که این مسئله به معنی تضعیف دو قدرت منطقه و پیدا شدن قدرت جدیدی بود که در منطقه‌ای مهم از جهان که میدان شدید رقابت دولت‌های امپریالیستی اروپا بود، سرنوشتش معلوم نبود. در نتیجه این استراتژی با استراتژی منطقه‌ای کشورهای بزرگ اروپایی سازگار نبود.

ایران و عثمانی هر دو از سوی کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته شده بودند، در مورد مسائل مشرق زمین یکی از مسائلی که از دیرباز موجب رقابت و کشمکش بین دولت‌های اروپایی شده است بحث استعمار غیرمستقیم دو دولت ایران و عثمانی است. این دو دولت با تبدیل شدن به بخشی از نظام بین‌المللی جهت برقراری و حفظ موازنه قدرت در بین قدرتهای آن عصر دارای جایگاه مهمی بودند. ماندگاری نظام ایران و ترکیه موجب اصل حفظ این موازنه شده بود، که اروپا امنیت خود را حفظ کند و در وضعیت غیر جنگی باقی بماند. تلاش هر قدرت اروپایی در جهت اشغال یا تقسیم یکی از این دو دولت و تلاش هر نیروی داخلی برای تجزیه قسمتی از آنها و تشکیل دولتی تازه در منطقه و یا ساقط کردن آنها، موجب تزلزل نظام بین‌المللی و به هم خوردن تعادل و موازنه‌ی نیروها، و در نهایت موجب به هم خوردن امنیت اروپا و خطر بروز جنگ میشد. روسیه با سیاست بریتانیا موافق بود که نباید ایران و ترکیه را اشغال کرده و مستقیماً تحت سلطه درآورد (کرزن، ۱۳۷۳، ۷۱۷/۲) و حتی با اشغال آنها از طرف کشورهای دیگر هم مخالف بود و سعی داشت این دو دولت به همان فرم سیاسی و زیر نفوذ مؤثر خود و مستقل از دولت‌های دیگر باقی بمانند. (همان: ۶۹۸) به این دلایل طرفدار رفرم و اصلاحات در وضعیت داخلی و مخالف سقوط و یا تقسیم شدن ایران و عثمانی بود و با هر گونه تهدید جدی که موقعیت و شکل این دو دولت را چه از داخل یا خارج به خطر می‌انداخت مقابله می‌کرد.

روسیه در نامه ای در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۸۸۲ به سفیر پاریس می‌نویسد:

ما برای جلب توجه "باب‌عالی" چندین بار به آن‌ها در مورد خطری که حضور شیخ عبدالله در نزدیکی مرزهای روسیه و پارس به وجود می‌آورد و همچنین خطر حضور

وی در میان جمعیت کورد که وی تاثیر بسیاری بر آن ها گذاشته است، هشدار دادیم. "باب عالی" برای منافع خودش هم که شده لازم است از ورود وی (شیخ عبیدالله) به اقامتگاه فعلی اش جلوگیری کند و به یکی از شهرهای شبه جزیره عربستان منتقل کند. (BOA:HR-SYS-1-43)

روسیه معتقد بودند که نباید از خواسته‌های کرد حمایت شود؛ بلکه باید از حکومت های مرکزی پشتیبانی کرد. حتی نوفیکوف سفیر روس در باب عالی از کارمندان کنسولگری های خود خواست که هیچ نوع تماسی با نمایندگان شیخ ننمایند تا مقامات عثمانی فکر نکنند که از قیام حمایت می شود.

۵. نقش روسیه در شکست جنبش شیخ عبیدالله شمزینی

در اواخر قرن نوزدهم دولت‌های مستقل زیادی در عرصه‌ی دیپلماسی جهان وجود نداشتند، و دول بزرگ و مهم اروپا عبارت بودند از بریتانیا، روسیه، فرانسه، ایتالیا، آلمان، اتریش و... که در امور جهان به ویژه در مسائل خاورمیانه از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار بودند. در این میان برای شیخ عبیدالله، روسیه و بریتانیا که دو نیروی اصلی منطقه بودند و نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی نیرومندی در میان ایران و عثمانی داشتند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند و کشورهای دیگر به لحاظ تأثیر و نفوذ به پای آن ها نمی‌رسیدند. شیخ عبیدالله هم، سعی در ایجاد رابطه دیپلماتیک با این دو کشور داد و میان این دو نیز معتقد بود که «طرفدار شیر بودن بهتر از روباه است» (مصطفی امین، ۲۰۰۶: ۱۸۸) که منظور از شیر روس و منظور از روباه هم انگلیس بوده است. شیخ عبیدالله بر اساس مصلحت‌اندیشی، در جنگ‌های بین عثمانی و روس به نام مذهب، به نفع عثمانی ها وارد جنگ شد. (Sarikcioglu, 2013: 10) و به کمک پسرانش و دیگر شیوخ گرد، در بایزید روس-ها را شکست داد؛ از این جهت در نزد عثمانی ها مقامی یافت. در همین جنگ بود که دولت عثمانی جهت مقابله با روس ها مقداری اسلحه بین اتباع وی توزیع کرد. وجود همین سلاح ها نیز یکی از علل «سرکشی و طغیان شیخ» گردید (صفی زاده، ۱۳۷۸: ۵۶۰ به نقل از مقدمه کتاب فتنه شیخ عبیدالله کرد، ۱۳۹۰: ۱۴).

هجوم به ایران به نوبه خود، مشکلی بزرگ و بین‌المللی بود و گریزی نداشت که گستردگی قیام به عثمانی نیز سرایت کند؛ زیرا شیخ اهل عثمانی بود و از سرزمین‌های آنجا حملاتش را آغاز کرده بود. شیخ برای موفقیت جنبشش در مناقشه با عثمانی، قصد داشت

حمایت روسیه را که در منطقه موثر و قدرتمند بود گرفته و با خود متحد کند. روسیه نیز با این تفکر که اگر جنگ بین روسیه و انگلیس شکل گیرد و دروازه های دیاربرکر و منطقه وان در دست کردها باشد در نتیجه ی جنگ تاثیر گذار خواهد بود و جنگ را به نفع روسیه تغییر خواهد داد، از شیخ حمایت کرد. (فتح الله، ۲۰۱۰: ۷۸) شیخ عبیدالله که سعی در برقراری ارتباط با مقامات روسیه داشت، از طریق اعزام نماینده و ارسال نامه کوشید تا شرایط و دیدگاه های خود را به اطلاع آنان رساند. (جهلیل، ۱۹۸۷: ۸۵) چندین بار نمایندگان نزد او برمیگشتند که کنسولگری روسیه در ارزروم فرستاد. هنگامی که کنسولگری روسیه در وان گشایش یافت شیخ این نزدیکی و فرصت را غنیمت شمرد و دو بار یوسف آغا، معتمدش را با پیشنهاداتی نزد کامسارکان فرستاد، همچنین «در ماه اکتبر ۱۸۷۹ سید محمدسعید» را به عنوان نماینده جهت مذاکره نزد کامسارکان به وان فرستاد. (Ates, 2013: 17) سید محمدسعید در مذاکراتش با کامسارکان اعلام داشت که:

... شیخ یقین پیدا کرده است که امپراتوری عثمانی توانایی امنیتی و آسایش ملل تحت تسلط خود را ندارد و در مبارزه ای که علیه عثمانی ها شروع کرده، به حمایت و پشتیبانی روسیه دل بسته است و نزد کردها همیشه بیشتر از بریتانیا مورد احترام بوده است. اگر روسیه با ترکیه و یا بریتانیا درگیر جنگ شود، کردها می توانند در سرنوشت جنگ تاثیر داشته باشند، چون تمامی راههای کوهستانی مهم وان و دیاربرکر در دست کردهاست. (خالقین، ۱۹۷۱: ۱۶۹؛ فتح الله، ۲۰۱۰: ۶۹)

شیخ عبیدالله مصمم بود که حمایت روسیه را به عنوان نیرویی قدرتمند در منطقه، به هر نحو به دست آورد؛ اما روس ها هیچ کمکی به شیخ نکردند. (فتح الله، ۲۰۱۰: ۶۹). روس ها از قدرت گیری شیخ عبیدالله در کردستان عثمانی و ایران بسیار ناخشنود بودند، زیرا می دانستند در صورت فراگیر شدن شورش شیخ، قیام مریدان نقشبندی در قفقاز که در آن زمان مرید شیخ عبیدالله محسوب می شدند، اجتناب ناپذیر خواهد بود. (نصرت-ماکویی، ۱۳۷۳: ۱۹) زیرا سابقاً نیز در دوره سیدطه پدر شیخ به دلیل این روابط حسنه شورش گسترده در سالهای ۱۸۷۸-۱۸۷۷ م. / ۱۲۹۴ - ۱۲۹۵ ق.، در چچن و داغستان صورت گرفته بود. (مکالین، ۱۳۷۰: ۱۵) شیخ بعد از عدم موفقیت در سیاست جلب روسیه، به ناچار با اتکاء به نیروی مریدانش، حملات پراکنده ای علیه عثمانی ها آغاز کرد و تا حوالی موصل پیش رفت (BOA:DH-ŞFR-115-73). مقامات روسیه در دور داشتن مسیحیان از شرکت در قیام شیخ، تلاش زیادی کردند. نستوری های ارومیه و موصل به دلیل این که خواستار ورود

آمریکایی ها و انگلیسی ها به منطقه نبودند، از کردها حمایت می کردند. شیخ برای اتحاد کل منطقه ارمنی ها را نیز از خود دانسته، از آن ها حمایت کرد و برای جذب آن ها، با رهبر دینی محلی شان آرهماندریت آگنز وارتاپت ارتباط برقرار کرده و دیدار کرد. روسیه از این تصمیم شیخ نگران بود و نمی خواست زمین هایی را که با توافقنامه برلین به دست آورده است را از دست بدهد. علاوه بر این روسیه دولتی را که قرار بود با رهبری شیخ تاسیس شود را خطری برای خود می دید. چون در دوران شیخ شامیل دیده بود که رهبران دینی قادر به انجام چه کارهایی هستند. (Sarikioglu, 2013: 29)

تلاش شیخ برای جلب حمایت معنوی روسیه حتی بعد از مرحله اول جنبش در کردستان ایران که به شکست انجامید و وی را در حالت بازداشت روانه استانبول کردند، ادامه داشت. بعد از فرار از استانبول و بازگشت به کردستان یکبار دیگر علی قاسمی را به نمایندگی خود نزد نماینده روسیه اعزام کرد. وی از طرف شیخ اعلام کرد که: «بیشتر از این نمی توانیم حاکمیت خشن و ظالم ترک را قبول کنیم و کردها در مبارزه علیه استانبول از روسیه درخواست حمایت می کنند و اگر روسیه مایل باشد شیخ می تواند قیام سراسری کرد را برپا کند.» (فتح الله، ۲۰۱۰: ۲۰۶) دیپلمات های روس بعد از بازگشت شیخ به نهری فعالیت هایش را زیر نظر گرفتند و بلافاصله مقامات وزارت خارجه خود را مطلع کردند که شیخ اقدام به ارتباط با کردهای بانفوذ و رؤسای ارمنی و آسوری و شریف مکه و خدیو مصر کرده است. شیخ عبدالله در ارتباط دیپلماسی خود فکر می کرد که باید سنگینی تعادل را به نفع روسیه تغییر دهد، گرچه شیخ از اهمیت بریتانیا در سیاست بین المللی و نفوذ شدید آن بر هر دو دولت ایران و عثمانی آگاه بود. به همین سبب همچنانکه به رابطه با روسیه اهمیت می داد، به همان میزان هم به ایجاد ارتباط با مقامات انگلیس توجه می کرد و تلاش می کرد که حمایت آنان را هم جلب نماید. انگلیسی ها در ابتدا نسبت به اقدامات شیخ علیه دولت عثمانی نظر موافق داشتند، کما اینکه در سال ۱۸۷۹ م. / ۱۲۹۶ ق. نایب کنسول انگلیس در وان به دیدار شیخ آمد و بعد از این نیروهای شیخ از بریتانیا اسلحه و مهمات دریافت کردند. (BOA:HR-SYS-685-1) اما انگلیسی ها بعد از مطلع شدن از برنامه ها و اهداف شیخ در خصوص آینده کردستان، به این نتیجه رسیدند که در صورت استیلای شیخ بر مناطق کردنشین و افزایش قدرت سیاسی - نظامی کردها در منطقه، دولت ایران به علت مواضع و منافع مشترک با روسیه در خصوص کردها بیش از پیش به روسیه نزدیک خواهد شد و از آنجایی که اتخاذ چنین سیاستی از سوی ایران، سیاست های توسعه طلبانه انگلیس

در ایران و منطقه را به خطر می‌انداخت، انگلیسی‌ها نه تنها به شیخ و کردها التفاتی نکردند، بلکه به نوعی موجبات شکست آنان را فراهم ساختند.

دولت روسیه نه تنها حمایت معنوی از جنبش شیخ نکرد و حاضر به رسمیت دانستن و اعتراف به جنبه‌های دیپلماسی آن نشد، بلکه در مسیر خاموش کردن آن، علیرغم تمامی اختلافات با بریتانیا، مانع به ثمر رسیدن جنبش اتحاد کردستان و تشکیل دولت مستقل در بین دو دولت ایران و عثمانی شد. (مصطفی‌امین، ۲۰۰۶: ۱۹۶). شیخ عبدالله نه تنها نتوانست حمایت معنوی-مادی و رسمی روسیه را جهت دفاع و پشتیبانی از خود به دست آورد، بلکه در اواخر جنبش، همکاری مشترک دیپلماسی روس و انگلیس و ایران علیه کردها، موجب فشار بر عثمانی هم شد که از طریق مداخله نظامی به قیام کردها خاتمه دهد و رهبران جنبش را بازداشت و از کردستان تبعید نماید.

اگرچه روس‌ها با دستاویز خطرات حضور مجدد شیخ، امتیازات فراوانی کسب نمودند، اما فرار شیخ از استانبول، از طریق قفقاز به شمدینان، موجب نگرانی مجدد روس‌ها از خطر نفوذ شیخ در میان مریدان نقشبندی قفقاز گردید. (BOA: HR-SYS-82) به همین علت روس‌ها مصمم شدند که کار شیخ را یکسره کنند، زیرا می‌دانستند که با ایجاد کردستان مستقل توسط شیخ عبدالله که تحت حمایت نسبی عثمانی‌ها قرار دارد نه تنها شاید سرزمین‌هایی را که به موجب معاهده برلن در شرق عثمانی به دست آورده بودند از دست بدهند بلکه احتمال می‌دادند که چنین کشوری با ایدئولوژی طریقت نقشبندی در جوار مرزهای قفقاز، چه بسا موجبات قیامهای مجدد نقشبندی‌ها و تمایلات گریز از مرکز آنان را در این بخش امپراطوری فراهم سازد. (کلهر، ۱۳۹۳: ۸۵) از این رو با فشار مضاعف بر دولت عثمانی، موجبات دستگیری و تبعید شیخ را از کردستان فراهم ساختند (شوال ۱۲۹۹ق.). بدین ترتیب روس‌ها هم خطر شیخ را رفع کردند و هم امتیازاتی از جمله قرارداد اخال (۱۲۹۹ق.) به دست آوردند.

بنابر آنچه گذشت روسیه از همان ابتدا مخالف جنبش کردها بود. زیرا موفقیت این جنبش، سلطه او بر ایران را ضعیف می‌نمود و در صورت ادامه یافتن، ایفای نقش هم پیمان حامی را مختل می‌کرد. روسیه مصمم شده بود که جنبش کردها را زمانی که ایران از این امر ناتوان باشد، سرکوب کند. اما به گونه‌ای عمل نکرد که بریتانیا را برانگیزد؛ کاملاً احتیاط پیشه کرده و نیروهایش را بدون سر و صدا در طول مرزهای قفقاز مستقر کرد. (فتح الله، ۲۰۱۰: ۵۰) در گزارشات روس‌ها به وضوح موضعشان نسبت به جنبش اینگونه بیان می‌-

شد: ۱- از خواسته‌های کرد حمایت نشود و آنها را مردود شمارید. ۲- از حکومت‌های مرکزی حمایت شود. ۳- بجای کردها به مسیحیان اعتماد و کمک شود چون مرفعی‌تر و آگاه‌تر و ثروتمندترند. ۴- تبلیغ جنبش شیخ به نوعی باشد که گویا دست انگلیس در کار است. (جهلیل، ۱۹۸۷: ۸۴) بنابراین گرچه دیپلمات‌ها و جاسوسان روسی در هر دو سوی کردستان نظارت دقیقی بر رفت و آمدها داشتند و اهداف و ارتباطات شیخ و وقایع منطقه و کلیه رویدادها را گزارش می‌کردند و از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منطقه آگاهی و اطلاع داشتند، ولی تلاش‌های شیخ با دیپلمات‌های روس در منطقه سودی نبخشید زیرا ارزیابی آنها از جنبش، از بسیاری جهات همان استراتژی روسیه در منطقه بود و موضع سیاسی خارجی آنان در برابر دولتهای عثمانی و ایران نیز در راستای حمایت از این دو دولت نمود می‌یافت.

۶. نتیجه‌گیری

جنبش شیخ عبیدالله نهری با تمام فراز و فرودهایش در نهایت منجر به شکست گردید. در این رابطه نباید نقش فرسایشی دولت روسیه را نادیده گرفت. همکاری شیخ و کردها از دولت عثمانی در جنگ روسیه و عثمانی (۱۸۷۸) از یک سو و عدم تصمیم‌گیری دقیق شیخ عبیدالله در جلب نظر دول قدرتمند اروپایی و همچنین اثبات حقانیت جنبش وی از سوی دیگر، باعث شد که به بازیچه‌ای در اختیار این دول قدرتمند قرار گیرد. روسیه منافع خویش را در ارتباط مسالمت‌آمیز با عثمانی و انگلستان می‌دید و جنبش شیخ را در مقابل این منافع به عنوان عنصری تازه پیدا شده که ممکن است تمام معادلات خارجی‌اش را برهم زند، فرض می‌کرد. البته استفاده ایزاری از جنبش شیخ در مقابل قدرت‌های دیگر منطقه نقطه قوتی در آغاز شورش بود که می‌توانست به عنوان اهرم فشاری در اختیار روسیه قرار گیرد. همان‌گونه که از اسناد موجود در آرشیوهای تاریخی استنباط می‌شود روسیه در ظاهر وعده‌های صوری به شیخ و جنبش وی می‌داد ولی در خفا کمر همت برای در هم شکستن این جنبش بسته بود. البته تضاد مسأله تشکیل کردستان مستقل با استراتژی خاورمیانه‌ای روسیه مزید بر علت بود. روسیه و بریتانیا می‌دانستند که با قدرت‌گیری و استقلال کردها، موازنه قدرت در خاورمیانه بر هم می‌خورد و کشورهای ایران و عثمانی که در طول تاریخ این موازنه را به سود آنها حفظ کرده بودند، دچار تزلزل می‌شدند. بنابراین

روسیه با نگاه موشکافانه به برخورد بریتانیا به مسأله کرد، تمام سعی خود را در متلاشی - کردن این جنبش به کار گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. از اعضای هیئت‌نظامی فرانسه و مامور خدمت در ایران در دوره قاجار
۲. با توجه به اینکه این مقاله بیشتر با تکیه بر اسناد عثمانی و روسی و فرانسوی نگاشته شده است؛ خوانندگان مشتاق برای مطالعه بیشتر اسناد فارسی به کتاب‌های ۱- کردستان در مسیر تاریخ به روایت اسناد به کوشش عمر فاروقی ۲- گزیده‌ی اسناد سیاسی ایران و عثمانی (جلد سوم) انتشارات وزارت امور خارجه ۳- نامه‌ها و گزارش‌های «امیر نظام گروسی» درباره‌ی وقایع کردستان در سال ۱۲۹۷ ه.ق و ... که بصورت سیر زمانی مرتب گشته‌اند مراجعه کنند. برای بررسی نسخه‌های موجود در این رابطه می‌توانید به نسخ زیر مراجعه کنید: ۱- نسخه کتابخانه سلطنتی با نام "روزنامه گزارش وقایع اکراد" (فهرست آنجا، کتاب های تاریخ: ۴۹۴ و ۷۳۱). ۲- نسخه شماره ۴۱۸۰ کتابخانه آستان قدس رضوی (فهرست آستان قدس ۷: ۳۳-۳۴ و فهرست شهرستانها ۲: ۲۰۵). ۳- نسخه شماره ۳۷۵۹ کتابخانه ملک مورخ ۲۸ رمضان ۱۲۹۸ در ۶۱ برگ (فهرست ملک، فارسی ۱: ۸۵ و ۳۹۵) که فیلم آن در دانشگاه است (مجله راهنمای کتاب ۲۱: ۳۵۵). ۴- نسخه شماره ۳۸۷۲ کتابخانه ملک (مأخذ اخیر: همان صفحه). این رساله بنا بر آنچه در شماره اخیر مجله راهنمای کتاب دیده شده اخیراً در ۱۱۰ صفحه در تهران به اهتمام عبدالله مردوخ به چاپ رسیده است.
۳. اسناد استفاده شده در این مقاله از بایگانی نخست‌وزیری ترکیه واقع در شهر استانبول - باش باکانلیک عثمانلی آرشیوی - استخراج شده است.
۴. شمزینان یا شم‌دینان: شمزین کلمه‌ای معادل شمس‌الدین است. شمس‌الدین جد بزرگ خاندان شمزینان است. وی محلی جهت اقامت و مرکزی برای ارشاد ساخته بود که آن را شمزین نام نهاده‌اند. شم‌دینان در جنوب حکاری واقع شده است. (مردوخ‌روحانی، ۱۳۸۲: ۳/۵۴۵).

کتاب‌نامه

- روزنامه انگولسکی، چاپ انگلستان، شماره ۴۴، ۱۸۸۰ م.
روزنامه قفقاز، چاپ باکو، شماره‌های ۲۲۹، ۲۸۴، ۳۰۴، ۳۱۶ و ۳۱۷ سال ۱۸۸۰ م
روزنامه وقت، چاپ استانبول، شماره‌های ۸۵۱ و ۸۸۶ سال ۱۸۸۰ م
روزنامه برگ، چاپ سنپترزبورگ، شماره ۲۸، سال ۱۸۸۰ م

- روزنامه ایران، شماره ۴۳۷، سالهای ۱۲۹۸ و ۱۲۹۷، تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۵، ج ۳
- روزنامه مشاک، چاپ تفلیس، شماره‌های ۱۹۹، ۱۰۳، ۴۸۸۴، سال ۱۸۸۰ م
- ادیب‌الشعرا، میرزا رشید (۱۳۴۶)، تاریخ افشار، به تصحیح و اهتمام پرویز شهریاری افشار و محمود رامیان، تبریز، انتشارات شورای مرکزی جشن ملی ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در آذربایجان غربی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۶۷)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۵۰)، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- امین‌الدوله، علی خان (۱۳۷۰)، خاطرات سیاسی، به کوشش حافظ فرمائی‌ان، پیوست چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- برزویی، مجتبی (۱۳۷۸)، اوضاع سیاسی کردستان (از سال ۱۲۵۸ تا ۱۳۲۵ ه ق)، تهران، انتشارات فکرنو.
- پیو-کارلوترنزیو (۱۳۵۹)، رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳)، مآثر سلطانی، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه روزنامه ایران.
- دهقان، علی (۱۳۴۸)، سرزمین زرتشت، تهران، انتشارات ابن‌سینا.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۳)، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، تهران،
- غوریانس، اسکندر (۱۳۵۶)، قیام شیخ عبیدالله شمردینی در عهد ناصرالدین شاه، به اهتمام عبدالله مردوخ کردستانی، تهران، انتشارات دنیای دانش.
- فتنه شیخ عبیدالله کرد (گزارش‌هایی از وقایع حمله اکراد به صفحات آذربایجان در دوره قاجار)، (۱۳۹۰)، به تصحیح یوسف بیگ‌باباپور و مسعود غلامیه، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فیضی، کیومرث (۱۳۹۰)، قیام شیخ عبیدالله شمردینی (نهری) در دوره ناصرالدین شاه قاجار، ایلام، جوهر حیات.
- قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۸۰)، اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- قدیمی‌قیداری، عباس (۱۳۸۹)، «رویکردهای مورخان قاجاری به اروپا و استعمار»، جستارهای تاریخی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دوره اول، شماره اول.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی.
- کلههر، محمد (۱۳۹۳)، جستاری پیرامون جنبش شیخ عبیدالله شمردینی، تهران، انتشارات پردیس دانش.

- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- گزارش ایران (از یک سیاح روس)، (۱۳۶۳)، ترجمه سید عبدالله، به اهتمام محمدرضا نصیری، تهران، انتشارات طهوری.
- گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی (۱۳۷۳)، به کوشش ایرج افشار، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- گزیده اسناد ایران و عثمانی (۱۳۷۰)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مشایخ فریدونی، آذرمیدخت، (۱۳۶۹)، مسائل مرزی ایران و عراق و تاثیر آن در مناسبات دو کشور، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مصطفی امین، نوشیروان (۲۰۰۶)، تاریخ سیاسی کردها، ترجمه اسماعیل بختیاری، سلیمانیه، انتشارات بنکه ی ژین.
- مکلین، فیتس‌روی (۱۳۷۰)، شیخ شامل داغستانی، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ملک‌آرا، عباس میرزا، (۱۳۶۱) شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک.
- مهدوی، عبدالرضاهوشنگ (۲۵۳۵)، تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی)، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- میرزا عزیز، جمال (۱۳۷۹)، قیام سال ۱۸۸۰ کردستان در اسناد محرمانه بریتانیا، ترجمه بهزادخوشحالی، همدان، نورعلم.
- مینورسکی (۱۳۷۹)، کرد، ترجمه و توضیح حبیب‌الله تابانی، تهران، انتشارات گستره.
- نادر میرزا (۱۳۷۳)، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، با مقدمه تصحیح و تحشیه غلامرضا طباطبایی - مجلد، تبریز، انتشارات ستوده.
- نصر، سید تقی (۱۳۶۳)، ایران در برخورد با استعمارگران: از آغاز قاجار تا مشروطیت، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- نصرت ماکویی، محمدرحیم (۱۳۷۳ق)، تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، قم، انتشارات حوزه علمیه.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۷۲)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران در دوره قاجاریه، ج ۳ تهران، انتشارات کیهان.
- نیکیتین، واسیلی (۱۳۶۶)، کرد و کردستان، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات نیلوفر.
- وان بروین سن، مارتین (۱۳۸۳)، جامعه شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت)، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانید.
- هدایت، مهدی قلی‌خان (۱۳۸۵)، خاطرات و خطرات، تهران، انتشارات زوار.

جهليل، جهليل (۱۹۸۷)، راپه رینی کورده کان سالی ۱۸۸۰، وه رگیر له رووسی یه وه دوکتور کاووس قهفتان، به غدا، چاپخانه‌ی الزمان.

حه مه باقی، محمه د (۲۰۰۰)، شورشی شیخ عوبه یدوللای نه هری (۱۸۸۰) له به لگه نامه ی قاجاری دا، ارپیل، چاپخانه‌ی وه زاره تی په روه رده.

خالفین، ن.ا. (۱۹۷۱) خه بات له ری کوردستاندا، جهلال ته قی، له رووسی یه وه به کوردی، سلیمانی، چاپخانه‌ی قیام.

خه لفین، ن.ا. (۲۰۱۷) مملاتی له سه ر کوردستان، له رووسی یه وه به کوردی: جهلال ته قی، سلیمانی، چاپخانه‌ی تاران.

فتح الله، جرجیس (۲۰۱۰)، مبحثان علی هامش ثوره الشیخ عبیدالله النهری، من منشورات ئاراس، الطبعه الثالثه، ارپیل.

Ateş, sabri, “ Millet ve Halife yolunda şeyh Ubeydullah isyani”, Kurt Tarihi, Haziran- temmuz 2013.

Ateş, Sabri, “ In the name of caliph and the nation”: The sheikh Ubeidullah Rebellion of 1880-81, vol. 47, No.5, 735-798, Iranian Studies, Aug 2014.

SARIKCIOGLU, melike, “ iran arşivlerine gore şeyh Ubeydullah isyani”, Sosyal Bilimler Dergisi Cilt3-Sayı5, Haziran2013.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: I-DH, Dosya No: 901.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: DH-ŞFR, Dosya No: 115, Gömlek No: 73.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: DH-ŞFR, Dosya No: 112, Gömlek No: 99.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: Y-PRK –A, Dosya No: 2, Gömlek No: 54.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: DH-ŞFR, Dosya No: 112, Gömlek No: 79.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: DH-ŞFR, Dosya No: 112, Gömlek No: 62.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: DH-ŞFR, Dosya No: 112, Gömlek No: 99.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: HR-SYS, Dosya No: 82.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: HR-SYS, Dosya No: 1, Gömlek No:43.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: HR-SYS, Dosya No: 3, Gömlek No:277.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: HR-SYS, Dosya No: 685, Gömlek No:1.

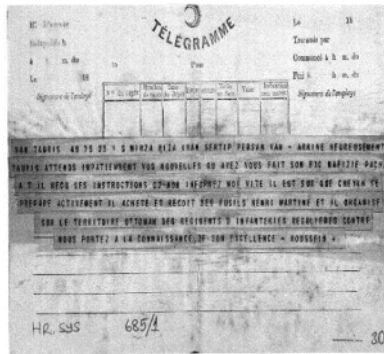
Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: HR-SYS, Dosya No: 685.

Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: Y-PRK–HR, Dosya No:5, Gömlek No: 63.

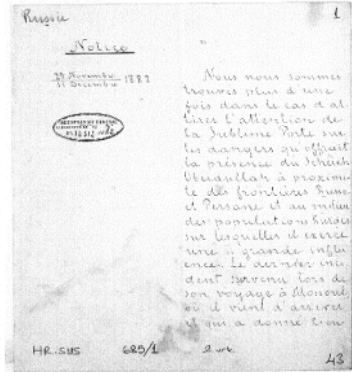
Başbakanlik Osmanli Arşivi (BOA), Fon Kodu: Y-PRK –ASK, Dosya No: 88, Gömlek No: 76.

نقش روسیه در شکست جنبش شیخ عبدالله شمزینی ۲۶۳

نمونه اسناد عثمانی، روسی و فرانسوی آرشیو نخست‌وزیری ترکیه استفاده- شده در پژوهش



HR.SYS.00685



HR.SYS.00685



HR.SYS.00685